



دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴، صفحه ۱۶، ۲۰ هزار تومان، سال چهارم، شماره ۸۳۲
www.hammihanonline.ir



حمله به دولت خیانت است

گفت‌وگو با ناصر ایمانی

درباره اظهارات و موضع گیری‌های بحث‌انگیز روزهای اخیر



ریزش ادامه‌دار قیمت مسکن

ارزیابی کارشناسان از پیامدهای جنگ و خروج مهاجران
بر معاملات بازار مسکن



تسهیلات برای روزهای سخت

گفت‌وگو با میثم عابدی معاون وزیر ارتباطات

درباره اختصاص وام به کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال



۱۰ میلیون کسب‌وکار آنلاین قربانی شدند

اختلال اینترنت از ابتدای جنگ در گفت‌وگو با مردم و مسئولان

گزارش امنیت ۶۰۳

تشدید ابهامات

امنیتی یک ماه

پس از ۲۳ خرداد

بررسی گزارش‌های منتشر شده از حمله به جلسه شورای عالی امنیت ملی

سرمقاله

چند ساعت هم مجال نشد

سرمقاله دیروز «هم‌میهن» در استقبال فراوان از گزاره طلایی آقای قالیباف بود که گفته بودند: «هسته سخت نظام ۹۰ میلیون نفر مردم ایران هستند.» در واقع، خواستیم بگوییم که به همان صراحت و صداقت که ضعف‌ها و خطاها را نقد می‌کنیم، اگر نکته مثبتی ببینیم به بهترین شکل، حمایت و تمجید می‌کنیم. اتفاقاً در همانجا ابراز امیدواری کردیم برخلاف گذشته که مسئولین امر سخنان خود را به‌سادگی و پس از بحران فراموش می‌کردند، حداقل این بار ملتزم به آن باشند؛ چراکه خلف وعده‌های گذشته نه‌تنها هیچگاه نتوانست مشکلات و مسائل را حل کند، بلکه آنها را به شرایط بدتری هم رساند. ولی باعث تأسف است که بگوییم بدترین شلیک به منافع کشور و علیه عقلانیت سیاسی از جانب مشاور اصلی آقای قالیباف شلیک شد. این آقای مشاور که سوابق سیاسی‌اش منتسب و مرتبط به نیروهای تندروست، با انتشار استوری که نشان‌دهنده دو انفجار اتمی بر فراز فلسطین به‌ویژه کرانه غربی آن بود، پیام موردپسند اسرائیلی‌ها را تولید و منتشر کرد. این آقای مشاور در توجیه این خبط (که در صورت آگاهانه بودن، خیانتی بزرگ است)، عذر بدتر از گناه آورد و نوشت: «این استوری توسط ادمین پیج من گذاشته شده بود و دقایقی بعد پاک شد.» روشن است که پست‌ها را ادمین می‌گذارد و پاک می‌کند، و نه او؛ ولی توضیح نداده که آیا او خودش دستور انتشار پست را داده است، همان‌گونه که دستور حذف را هم خودش داده؛ یا ادمین بدون اجازه چنین کاری کرده است؟ روشن است که در هر دو صورت، مسئولیت امر به عهده صاحب حساب است و نه ادمین بیچاره. هنوز ساعتی از انتشار سرمقاله ما درباره آن گزاره طلایی نگذشته بود که یکی از نزدیک‌ترین افراد به رئیس‌مجلس یعنی مشاور سیاسی وی بدون اندک مسئولیتی چنین پیامی را منتشر می‌کند. البته، انتشار چنین مطالبی در فضای مجازی دور از انتظار نیست؛ ولی این مورد با نمونه‌های دیگر دو فرقی اساسی دارد. اول اینکه، این پست از حساب مربوط به مشاور رئیس‌مجلس است، او حقوق‌بگیر مجلس و دارای پست سیاسی است و چه‌بسا دشمن تصور می‌کند که وی دسترسی‌هایی هم به اطلاعات داشته باشد. چنین اشتباهی در این سطح قابل قبول نیست. به‌علاوه، این‌گونه افراد که خسارت بزرگی به میهن می‌زنند، به‌طور معمول، با هیچ برخوردی مواجه نمی‌شوند. درحالی‌که در نقطه مقابل همه تحت فشار هستند که مبادا چیزی بگویند که با سیاست‌های رسمی در تعارض باشد. این دو ویژگی، آثار منفی فراوانی را بر این نوع مواضع نیمه‌رسمی بار می‌کند. نکته جالب این است که اسرائیل ده‌ها بمب اتمی دارد، ولی تاکنون ندیده‌ایم که اقرار به داشتن چنین بمب غیرقانونی کنند؛ چه رسد به اینکه تهدید به کاربرد آن نیز کنند. این تفاوت وضعیت ما و آنان است که مشاور رئیس‌مجلس ما چیزی را که نه به بار است و نه به دار است و وجودش هم برخلاف سیاست‌های کلی و ابلاغی نظام و رهبری است، رسانه‌ای می‌کند و از روی بی‌مسئولیتی محض آن را به ابزاری پوچ برای تهدید تبدیل می‌کند. ❏

گفت‌وگو با سعید حجاریان درباره مواجهه جامعه ایران با جنگ ۱۲ روزه

میهن پرستی بود

نه ملی‌گرایی

در زمانی که جنگ در جریان است، طبیعتاً بر ایده‌پردازی سیاسی فایده چندانی مترتب نخواهد بود. این وضعیت در دوره انقلابات هم حاکم است؛ زمانی که رخداد یا event یا انقلاب رخ می‌دهد، کار نظری فریز می‌شود؛ زیرا ایده‌ها مربوط به قبل از رخداد یا پس از آن هستند. حالا وقت آن است که بگوییم ما قبل از جنگ چه می‌گفتیم و بعد از جنگ چه پیشنهاداتی داریم. قبل از وقوع جنگ ایده کلی من، چنانکه بارها تأکید کرده بودم، توازن در الگوی توسعه و امنیت ملی ایران بود. یعنی ما به موازات تمرکز بر المان‌های دفاعی و نظامی، می‌بایست به‌وجوه مختلف توسعه‌یابدار و ارتقاء زیرساخت کشور می‌پرداختیم. توسعه مدنظر من هم طبیعتاً صرفاً اقتصادی نبوده و باید از جمیع ابعاد به دنبال غنی‌سازی ملی می‌رفتیم و شکاف‌های ملت-دولت را ترمیم می‌کردیم. حال آن‌که صرفاً بر غنی‌سازی هسته‌ای تأکید و عملاً کشور تک‌بعدی شد اما، حالا مسئله این است که به‌قول شما چه طرح نویی را می‌توان در انداخت. از آنجایی که من معتقدم هنوز جنگ اسرائیل و ایران تمام نشده است، و صرفاً یک جنگ ۱۲ روزه از طریق آتش‌بس شکستنده به پایان رسیده، باید در چارچوب وضعیت «نه جنگ، نه صلح» ایده‌پردازی کنیم آن‌هم با پیوست روشن و به‌روز سانی شده‌ی امنیت ملی.



گفتار سیاستمدار ۶۰۵

عکس: کاوه کریمی

تیر آخر به توافق ۱۰ ساله؟

ارزیابی کارشناسان روابط بین‌الملل از وضعیت کنونی برجام و احتمال اسنپ‌بک

یادداشت سردبیر

آن ۱۰ سال و این یک ماه

چرا و چگونه از برجام به جنگ رسیدیم؟



محمدجواد روح

امروز ۲۳ تیرماه ۱۴۰۴ است. درست ۱۰ سال پیش در چنین روزی بود که ایران و قدرت‌های جهانی پس از دو سال مذاکره به توافقی رسیدند که مدتی بعد به برجام معروف شد. امروز ۲۳ تیرماه ۱۴۰۴ است. درست یک‌ماه قبل اسرائیل به ایران حمله کرد و متعاقب آن، آمریکا تاسیسات هسته‌ای ایران را زیر بمباران گرفت. آن مناسبت ۱۰ ساله و این مناسبت یک‌ماهه اما در یک تحلیل کلی و کلان در تداوم یکدیگر هستند و متاثر از یک واقعیت مشترک: واقعیتی به نام نظام بین‌الملل؛ نظامی که نه عادلانه است، نه قانون دارد، نه با قطعنامه و بیانیه و حتی شکل دادن اتحادها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان بر این اسب سرکش لگام زد. نظام بین‌الملل فقط و فقط تابع مناسبات واقعی قدرت است؛ همچون جنگل، هر که قوتش بیش، قوتش بیشتر. مصداق این جمله هنری کیسینجر در یکی از آخرین مصاحبه‌های مهم عمرش با اکونومیست است که: «چیزی جز توازن قوا وجود ندارد». هرکس که خود را مدعی سیاست‌ورزی می‌داند، ناچار باید این جمله را قاب طلا گیرد و بالای سر خود آویزد یا بر میز کارش نهد؛ واقعیتی که البته، تلخ است. اما با هیچ ایدئولوژی، با هیچ روایت‌سازی و با هیچ اراده‌ای نمی‌توان آن را دور زد. در برابر نظام بین‌الملل واقعاً موجود (و نه نظام بین‌الملل ایده‌آل یا آنچه در حقوق بین‌الملل آمده است)، جز دو کار نمی‌توان کرد: پذیرش یا ستیز. البته، پذیرش و ستیز صفر و صدی نیست. طیفی از حالت‌ها و گزینه‌ها و رویکردها می‌توان داشت. می‌توان در قبال بخشی از نظام بین‌الملل موجود و یا حتی کلیت آن، مواجهه‌ای انتقادی داشت. می‌توان تناقض گفتارها و رفتارهای قدرت‌های خرد و کلان جهان را به نقد کشید می‌توان در حد مقدرات برای تقویت نیروها و جریان‌هایی در قدرت‌های جهانی کوشید که نگاه انسان‌گرایانه‌تر، روادارانه‌تر و آزادی‌خواهانه‌تر به انسان و جهان دارند. اما اگر کلیت گزینه پذیرش را کنار بگذاریم و خود را معنادار آه مظلومان در برابر این نظم ظالمانه بدانیم و بخواهیم، خواسته یا ناخواسته پای در مسیر ستیز گذاشته‌ایم. ❏